

بررسی سیر تاریخی وجوب حجاب در صدر اسلام

فاطمه جعفری *

چکیده

حجاب به معنای پوشاندن بدن زن در برابر نامحرم از احکام ضروری دین اسلام است و در آیات قران و روایاتی از پیامبر ﷺ و معصومین علیهم السلام به وجوب و کیفیت آن تصریح شده است. از مسلمات تاریخ اسلام ابلاغ تدریجی بسیاری از احکام اسلام است. از این رو با استفاده از دلایل نقلی استفاده می شود ابلاغ احکام حجاب نیز با توجه به سیر نزول آیات مربوط به حجاب، در مدینه و بصورت تدریجی می باشد چون تا آن زمان اساساً حجاب تشریح نشده بود. و در مدینه در طی سه مرحله به وجوب رسیده است.

کلید واژگان

حجاب، وجوب حجاب، حجاب اسلامی، آیات حجاب.

مقدمه

حجاب یکی از مسائل مشترک بین ادیان الهی است. تمایل به پوشیده ماندن در بهبود، مسیحیت و اسلام، امری درونی است و عفاف و خویشترداری فضیلت اخلاقی شمرده می‌شود. در اسلام این مسئله به دور از افراط و تفریط و به طور شفاف و روشنی بیان شده است و مسلمانان معتقدند که این امر به گونه‌ای طراحی شده است که در جهت فعال‌سازی زنان در جامعه مفید باشد. البته اشکالات و شبهاتی از سوی مخالفان امر حجاب، به وجوب و یا میزان پوشش در اسلام و که بیشتر به مسایل فقهی مرتبط می‌شود توجه داشته‌اند اما این نوشتار به دنبال زوایای تاریخی و مناسبت زمانی وجوب حجاب در اسلام می‌باشد به عبارت دیگر باید دید که سیر تاریخی وجوب این حکم شرعی به کدام مقطع زمانی در صدر اسلام بازگشت داشته و چه شرایط اجتماعی در تشریح این حکم به صورت تدریجی تاثیر گذار بوده است. از این‌رو در این مقاله به مفهوم شناسی واژه حجاب و فرهنگ موجود پیرامون حجاب در صدر اسلام و زمینه‌های وجوب حجاب و سیر تاریخی نزول آیات مربوط به این حکم شرعی پرداخته می‌شود.

مفهوم شناسی

معنای لغوی: واژه "حجاب" در لغت به معنای پرده، حاجب و چیزی است که میان دو چیز حایل و فاصله می‌شود. خواه از امور مادی و اشیای محسوس باشد و یا از امور معنوی و غیر محسوس. در زبان عربی به ابرو از آن جهت حاجب می‌گویند که به عنوان پرده و مانعی برای چشم در برابر شعاع خورشید عمل می‌کند. دربان را نیز از آن جهت حاجب می‌گویند که مانع ورود می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ماده حجب؛ مصطفوی، ۱۴۰۲ق: ج ۲، ۱۶۶).

معنای اصطلاحی: واژه حجاب به معنای پوشش زنان، اصطلاحی است که بیشتر در عصر ما پیدا شده و اصطلاحی جدید است. آنچه در گذشته‌ها در این مورد به کار می‌رفته، به ویژه در اصطلاح فقها، واژه "ستر" بود که به معنای پوشش است. (مطهری، ۱۳۷۸: ۷۸؛ مصطفوی، ۱۴۰۲ق: ج ۲، ۱۶۷) در نهایت می‌توان گفت: حجاب اصطلاحی است به معنای پوشاندن زن خود را در برابر نامحرمان.

فرهنگ حجاب در صدر اسلام

برای دانستن سیر تاریخی و جوب حجاب در اسلام باید دید در زمان بعثت پیامبر ﷺ و آغاز رسالت ایشان جامعه دارای چه وضعیتی در زمینه اهتمام به پوشش داشته‌اند و آمدن اسلام آیا در ادامه همان فرهنگ بوده است یا این که با آن به مخالفت پرداخته و یا به گونه‌ای کاملاً آن را نسخ نکرده بلکه اصلاح نموده است؟!

در زمینه فرهنگ پوشش در زمان صدر اسلام محققان و تاریخ‌نگاران با توجه به مستندات تاریخی خود دیدگاه‌های متفاوتی در زمینه فرهنگ حجاب و سطح پوشش در اجتماع آن روز ارائه داده‌اند که می‌توان در دو دیدگاه کلی تقسیم نمود:

اول: پدیدهٔ برهنگی

از دیدگاه موافقان این فرهنگ، برهنگی مقارن با عصر پیامبر ص به دلیل عوامل گوناگونی شکل گرفته بود که می‌توان مهم‌ترین آن‌ها را فقر، شرایط جغرافیایی نام برد. این عوامل موجب بازتاب برهنگی کامل، نیمه برهنگی، برهنگی موردی و برهنگی اطفال گشته بود. در توضیح این مطلب می‌توان گفت: شرایط آب‌وهوایی به گونه‌ای بود که عمدتاً بردگان و سیاهان جامه‌ای برای پوشیدن نداشتند. (مقاله، حجاب شرعی در عصر پیامبر ﷺ، ص، ۳۳). همچنین محققان درباره پوشش عامه مردم، اذعان به نیمه برهنگی آنان می‌کنند زیرا دستیابی به لباس به دلیل فقر مالی و ضعف اقتصادی کاری بسیار مشکل بوده است. «أما سواد الناس فلم یکن من السهل علیهم الحصول علی اللباس... فکانوا یسترون أجسامهم بأسمال بالیه و بکل ما یمکن أن یستر الجسم به». (جوادی، ۱۳۴۷: ج ۵، ۴۷).

در برخی موارد نیز افراد در شرایط خاصی برهنه می‌شدند به عنوان مثال از جمله وقایع تاریخی مشهور این است که مردم در زمان بعثت پیامبر ص بدون لباس خانه کعبه را طواف می‌کردند و این امر توسط زنان نیز به همین شکل و صورت اتفاق می‌افتاد. نابالغان و افراد کم سن و سال نیز از پوشش و لباس جدا بوده و بنا بر مستندات تاریخی دختران بالغ تا پیش

از سن بلوغ هیچ‌گونه پوششی نداشته‌اند. البته باید گفت: به‌طور کلی فرهنگ برهنگی در عصر مقارن با ظهور اسلام امری رایج گردیده بود.

دوم: پوشش نسبی

با توجه به این دیدگاه مردم آن روزگار دارای نوعی پوشش بودند که پوشش آنان در شبه جزیره عربستان به دو پوشش اشراف و پوشش رسمی و حد متوسط قابل تقسیم‌بندی است:

- پوشش اشرافی

از جمله ویژگی‌های پوشش اشرافی که اختصاص به طبقه ثروتمند و متمکن اجتماع آن روز بود غالباً اندام برهنه را می‌پوشانید و این نمایانگر ثروت شخص بود و عده‌ای از آنان با تکبر و غرور گام برمی‌داشتند. «و قد كان الاغیاء و الشباب یبالغون فی البستهم، و منهم من یسبله یجر الارض و منهم من یبالغ فی ردائه خیلاء و تیهها و تکبرا» (جوادعلی، ۱۳۴۷: ج ۵، ۵۵).

- پوشش رسمی و حد متوسط

در آن زمان به نقل مورخانی چون طبری پارچه‌های نادرختی بوده است که مردان پارچه‌ای را به عنوان لنگ و پارچه‌ای را نیز به عنوان رودوشی استفاده می‌نمودند و زنان نیز لباسی نیمه برهنه به نام درع داشته‌اند. «قال الطبری إنما ورد الخبر بلفظ الإزار لان اکثر الناس فی عهده ص كانوا یلبسون الإزار و الأردیة...» (عسقلانی، بی‌تا: ج ۱۰، ۲۲۳) در متون قدیمی از پارچه‌های نادرخته با عنوان إزار «لنگ» و رداء «رودوشی» نام برده شده است که پوشش مردان بوده و درع نیز پوشش زنان بوده است که فاقد دوخت و دوز لازم بوده است. به‌نظر می‌رسد استفاده از لباس‌های دوخته شده در آن زمان کمتر رایج بوده است.

از آن‌جا که نوشتار حاضر در خصوص حجاب و پوشش زن و سیر تاریخی آن در صدر اسلام می‌باشد از این‌رو با ترسیم کلی از وضعیت فرهنگ پوشش (زن و مرد) در زمانی مقارن

با بعثت پیامبر ص اکنون به صورت خاص در مورد وضعیت پوشش زنان در آن روزگار می-پردازیم تا بتوان چگونگی و میزان تحول پوشش زنان در جامعه اسلامی و قبل از آن را بهتر بررسی نمود. از سوی دیگر قابل توجه است که بدانیم آن چه که تا کنون در خصوص برهنگی و یا نیمه برهنگی زنان معاصر پیامبر ص بیان شد در خصوص مشرکان و بت پرستانی بودند که دارای آیین و تابع هیچ دینی نبودند. با نگاه به تاریخ چنین استفاده می شود که حجاب به معنای پوشش زنان، قبل از اسلام در جهان و در ادیان مختلف با شکل های متفاوت وجود داشته و این حکم تأسیسی نیست؛ یعنی اسلام آن را اختراع نکرده، بلکه دین اسلام آن را پذیرفته و چنان که از تاریخ زمان پیامبر ﷺ استفاده می شود، اسلام قدری محدوده آن را وسیع تر کرده و به آن شدت بخشیده است.

«حجاب زنان از سنن قدیمی تمدن های بشری بوده است و در ادیان الهی به خصوص یهود، مسیحیت و زرتشت مسئله حجاب و رعایت آن مطرح بوده است و در بعضی از ادیان مثل یهود مسئله حجاب سخت تر از حجابی است که اسلام می گوید.» (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۲) پس آنان اگر بخواهند به دستورات دینی خود هم عمل کنند، ملزم به رعایت حجاب در جامعه هستند.

و حتی می توان گفت در میان ملل گذشته نیز وجود داشته است در ایران باستان، هند و... رعایت حجاب اجباری بود. (مطهری، ۱۳۷۸: ۹) ویل دورانت ضمن تصریح به وجود حجاب در ایران باستان، در خصوص فرهنگ یهود آورده که «اگر زنی به نقض قانون یهود می پرداخت: چنانکه مثلاً بی آنکه چیزی بر سر داشت به میان مردم می رفت یا با مردان درد دل می کرد و یا... مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد.» (دورانت، ۱۳۸۰: ج ۱۲، ۳۰).

آنچه را که از تاریخ استفاده می شود این است که زنان در زمان پیامبر ﷺ دارای حجاب بودند، البته نه حجاب کامل. زنان عرب معمولاً پیراهن هایی می پوشیدند که گریبان هایشان باز بود، دور گردن، سینه، در معرض دید بود. روسری هایی که به سر می انداختند، قسمت های پایین آن را به پشت سر می انداختند به طور طبیعی گوش ها و گوشواره ها و جلوی سینه و گردن نمایان بود. و گفته شده است که تا پیش از نزول آیه جلاب (در سال ششم یا هفتم

هجری) میزان پوشیدگی زنان آزاد با کنیزان یکسان بوده است و زنان آزاد همان مقداری را می‌پوشاندند که کنیزها نیز می‌پوشاندند البته تفاوت در کیفیت و مرغوبیت جنس پارچه و لباس آن‌ها وجود داشت. طبری در تفسیرش در این باره می‌گوید: «عن ابن عباس... قال: كانت الحره تلبس لباس الأمة، فأمر الله نساء المؤمنین أن یدنین علیهن من جلابیهن» (طبری، ۱۴۱۲: ۲۱۸؛ سیوطی، ج ۵، ۳۲۲).

از زمان جاهلیت و نیز بعد از بعثت پیامبر اسلام ﷺ و تشریح حکم حجاب از جهت توسعه میزان پوشش در آن زمان، برای کنیزان اجبار و لزومی در باره رعایت کامل حجاب وجود نداشت (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ق: ج ۱، ۵۴؛ رسائل حجابیه، ج ۲، ۱۱۸۸؛ هاشمی‌شاهرودی، ۱۴۲۶ق: ج ۲، ۹۴) ولی باید به این نکته توجه کرد که بیشتر کنیزها حجاب نسبی سابق خود را رعایت می‌کردند و فقط بعد از حکم حجاب میزان پوشش آن‌ها نسبت به زنان آزاد متفاوت بوده است. از احادیث زیادی نیز استفاده می‌شود که حجاب سر برای کنیزان لازم نبود، به گونه‌ای که با سر برهنه نماز می‌خواندند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ق، ۶۸) مذهب مشهور فقها هم همین است که کنیز اگر با سر برهنه نماز بخواند، نمازش صحیح است و پوشش سر برای کنیز در نماز واجب نیست. (عاملی، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ۵۲۹؛ مجلسی، ۱۴۱۲ق: ۲۹۰؛ مجلسی، ۱۴۱۴: ج ۱، ۴۸۳)

در نتیجه می‌توان گفت پوشش عامیانه زنان عصر پیامبر ﷺ "درع" بوده است. مشخصات این پیراهن را می‌توان پوشیده نبودن ناحیه سینه به دلیل شکافی که در وسط پارچه ایجاد می‌کردند. (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ج ۷، ۳۷۶) و برخی علاوه بر درع، از سرانداز (روسری) نیز استفاده می‌کردند که به آن خمار یا مقنعه می‌گویند. اما به دلیل این که آن را پشت بدن می‌انداختند سینه و پستان بسیاری از زنان پیدا بود. «انهن کن یلقین مقنعهن علی ظهورهن فتیدوا صدورهن» (نور: ۳۱)

از دیگر آسیب‌های پوشش رایج زنان، نمایان بودن دو طرف بدن بود «قیل ان المرأة كانت تلبس الدرع من اللوء لوء غیر مخیط الجانبین، تلبس الثیاب الرقاق و لا تواری بدنها...»

(قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۱۴، ۱۸۰). از دیگر ویژگی‌های پوشش زنان کوتاه بودن پیراهن‌های آنان بود به صورتی که ساق پا و زانوها کاملاً دیده می‌شد. زنان به جز دامن پیراهن کوتاه از هیچ پوشاک دیگری برای ستر عورت و ران استفاده نمی‌کردند و گاهی با بالا رفتن دامن پیراهن شرمگاه شان نمایان می‌شد. از این رو شهید مطهری می‌گوید: «در جاهلیت بین اعراب ستر عورت (پوشاندن شرمگاه) معمول نبوده است و اسلام آن را واجب کرد» (مطهری، ۱۳۸۱: ۱۴۲) شواهد متعدد حاکی از این نکته است که زنان در جامعه عرب قبل از اسلام برای حضور در اجتماع، از پوشش مناسب و مطلوب برخوردار نبودند. (اسد الله جمشیدی، «تاریخچه حجاب در اسلام»، تاریخ در آئینه پژوهش، ش ۷، ۱۴۷).

انواع پوشش زنان در صدر اسلام

با بررسی منابع وجود در مورد انواع پوشش در صدر اسلام به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود تا اولاً بتوان دیدگاه اسلام را در خصوص این پوشش‌ها یافت و ثانیاً این‌که دانسته شود که آیا حجاب در شریعت پیامبر ﷺ به دنبال ابداء پوششی جدید بوده است یا این‌که پوشش زنان پیش از اسلام را پذیرفته و به اصلاح آن پرداخته است؟!

۱- جلباب

همان لباس رویی و بیرونی بوده است که در زمان پیامبر ص زنان از آن استفاده می‌کردند. علامه طباطبایی می‌گوید: «هو ثوب تشتمل به المرأة فیغطي جميع بدنها أو الخمار الذی تغطي به رأسها و وجهها...» (طباطبایی، ۱۳۷۰: ج ۱۶، ۵۳۱-۵۳۲)

۲- خمار

یکی از پوشش‌های صدر اسلام که جامه‌ای نادرخته برای پوشش سر بوده است. علامه می‌گوید: «خمار جامه‌ای است که زن سر خود را با آن می‌پیچد و زائد آن را بر سینه‌اش آویزان می‌کند.» (طباطبایی، ۱۳۷۰: ج ۱۵، ۱۵۹) خمار و در لغت به معنای پوشاندن است. شراب را هم

از آن جهت خمر می‌گویند که قوا، حواس ظاهری و عقل انسان را می‌پوشاند. خمار نیز سر انسان را می‌پوشاند (مصطفوی، ۱۴۰۲ق: ج ۳، ۱۲۹).

۳- نصیف

پوششی بوده که بسیاری از زنان استفاده می‌کردند و لغویون آن را لباس زینت می‌دانند و معتقدند زنان برای تجمل از آن استفاده می‌کردند. (الزبیدی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۲، ۵۰۲).

۴- نقاب

نقاب در عهد نبوی در متداول بوده است. و در تعریف لغویون عبارت است از پوششی که بر چشمان و بینی قرار می‌گرفت. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۴، ۲۵۱).

۵- برقع

یکی دیگر از پوشش‌های صورت برقع بوده است. (جوده‌السحار، المرأة العریبة فی جاهلیتها و اسلامها، ۱۳۵۰: ۱۰۹).

۶- نمام

نوعی پوشش که در حال سفر و سوار بر چهارپایان استفاده می‌شده است. (صدوق، بی‌تا: ج ۱، ۲۵۵).

۷- قمیص

پوشش متداول مردم در صدر اسلام بوده است. و لغویون عرب واژه قمیص را مترادف با درع می‌دانند که پوشش مخصوص بانوان بوده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۴، ۳۳۴).

۸- قناع

قناع یا مقنعه برای پوشاندن سر می‌باشد و قناع کمی بلندتر از مقنعه بوده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۱، ۳۲۳).

۹- مرابط

عبایی از پشم یا کتان یا خز. به طور کلی هر لباس دوخته نشده‌ای را که زن آن را ازار خود قرار می‌داده است مرابط می‌گویند. (دزی، ۱۳۵۹: ۳۷۹).

۱۰- برد

قطعه پارچه پشمی بلند و ضخیم که روزها برای پوشاندن بدن و شبها به جای جامه خواب به کار می‌رفته است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۷).

۱۱- ازار

برای پوشش پایین بدن به کار می‌رفت. ازار پایین پوش و رداء بالا پوش بوده و تن پوش کامل عرب این دو بوده است. این لباس مشترک بین زن و مرد بوده است و تنها ازار زنان ضخیم‌تر از مردان بوده است. (الجبوری، ۱۹۸۹: ۶۹) جواد علی می‌گوید: و "الازار" الملحفة، وما یستر أسفل البدن، والرداء ما یستر به أعلاه. و كلاهما غیر مخیط. وقیل الازار ما تحت العاتق والظهر، ولا یكون مخیطا. فهو قطعة قماش، یلف به القسم الأسفل من البدن لستره. یختلف طوله وعرضه حسب رغبة لابسه. ویلبس الإزار مع الرداء فی الغالب، وقد تلبس معه ألبسة أخرى. (المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام).

۱۲- سروال

لباسی که ما بین ناف و رانها را می‌پوشاند. و استفاده از آن سابقه طولانی داشته است چنانکه انبیائی مانند ابراهیم و موسی علیهم‌السلام نیز از آن استفاده می‌کردند. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۶، ۲۴۷).

سیر تاریخی وجوب حجاب

پیش از پرداختن به این موضوع که حجاب چگونه وجوب پیدا کرد؛ پاسخ به برخی از پرسش‌هایی از قبیل این که آیا وجوب حجاب دفعی بوده؟ یا در طی مراحل به مرحله وجوب رسیده است؟ ارکان حجاب اسلامی چیست؟ به آن ضروری می‌نمایند.

به طور کلی ارکان حجاب اسلامی را در لابلای متون آیات و روایات می‌توان یافت که در طی سیر وجوب حجاب به آن‌ها به طور مفصل اشاره خواهد شد لیکن در این مقطع و با توجه به متون دینی می‌توان گفت: اسلام برای حجاب زن‌ها دو رکن اساسی را بیان کرده است:

۱- از جهت فراگیری نسبت به بدن که دستور داده به جز گردی صورت و دست‌ها تا میچ، تمام بدن باید پوشیده شود.

۲- دوم از نظر کیفیت پوشش که نباید بدن نما یا چسبان باشد و نیز نباید موجب جلب توجه نامحرم گردد.

اما در مورد این که آیا وجوب حجاب دفعی است یا تدریجی؟ با در نظر گرفتن زمان نزول آیات حجاب در باید گفت: حکم وجوب حجاب دفعی و به یکباره بر پیامبر ص نازل نشده است بلکه به صورت تدریجی و با اقتضای شرایط زمانی و اجتماعی آن دوره نازل شده است. که در ادامه به سیر وجوب حجاب از نظر زمان و مکان و شرایط زمانی پرداخته می‌شود. ابلاغ احکام حجاب در مدینه می‌باشد لذا اگر نصوصی دال بر وضع حجاب در زمان حضور پیامبر ﷺ در مکه یا قبل از آن ارائه کنیم، در اثبات یا رد حجاب شرعی مورد قبول نخواهد بود. چون تا آن زمان اساساً حجاب تشریح نشده بود و بنابراین سکوت پیامبر دلیل بر چیزی نمی‌تواند باشد. از طرفی نیز حجاب مردم مدینه مشمول تدریجی بودن احکام می‌باشد.

وقتی پیامبر اسلام از مکه به مدینه هجرت نمود، به صورت تدریجی با برخی مظاهر فساد برخورد می‌کرد و حجاب یکی از آن موارد بود. مردمی که پوشش اندک جزء فرهنگشان بود، باید به صورت تدریجی به حجاب مایلشان کرد. لذا در ابتدا آیات حجاب ویژه همسران پیامبر گرامی اسلام نازل شد. تا این که در سال پنجم هجرت در پی تعرض برخی جوانان لایبالی به

زنان، آیات سوره احزاب نازل گردید. و زمینه را برای مرحله سوم ایجاد کرد. آیات مبارکه سوره نور اتمام حجت و حکم قطعی حجاب را ابراز داشت.

مرحله اول: وجوب حجاب برای زنان پیامبر به عنوان الگوی های اجتماعی

تا پیش از نزول آیات حجاب، زنان مسلمان با همان لباس معمول و مرسوم آن زمان، در جامعه حاضر می شدند، با مردان سخن می گفتند و حتی با آنان بر سر یک سفره می نشستند و از یک ظرف غذا می خوردند؛ تا این که در سال پنجم هجری، حجاب بر زنان پیامبر واجب شد:

«يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ﴿٣٣﴾ وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ»
(احزاب: ۳۲-۳۳)

در سوره احزاب ضمن بیان وظایف و تکالیف همسران پیامبر ﷺ به عنوان نزدیک ترین افراد به آن حضرت، به حجاب و پوشش آنان در اجتماع پرداخته است؛ زیرا اعمال آنان به پیامبر منتسب می شود و زنان دیگر از آنان الگو می گیرند. از این جهت آنان باید اعمال و رفتارشان بر اساس معیارهای اسلام باشد و از متابعت عادات و آداب و رسوم جاهلی متداول در جامعه دوری کنند. بر این اساس، قرآن در مورد تکلیف آنان نسبت به حجاب و پوشش و تعامل با نامحرمان به آنان فرمود: «ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید. پس به گونه ای هوس انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگویید! و در خانه های خود بمانید، و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید، و نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و خدا و رسولش را اطاعت کنید خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد. در آیه دیگر همین سوره می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكِ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ

الْمُؤْمِنِينَ يَدِينُ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يَعْرِفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا». «ای پیامبر به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند این برای آن که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیک‌تر است و خدا آمرزنده مهربان است (احزاب: ۵۹)».

مرحله دوم: وجوب حجاب به دلیل صیانت زن (مقدمه‌ای برای حجاب کلی حجاب)

در این مرحله خداوند ضرورت پوشش حجاب را با بیان دلیل، امری لازمی برای زنان مومن معرفی می‌کند و حتی چگونگی رعایت پوشش در برابر نگاه‌های آلوده را بیان می‌دارد. چون پوشش زنان کامل نبود جوانان هرزه تحریک می‌شدند و بر سر راه آنان قرار گرفته و به اذیت و آزار آنان می‌پرداختند. بنابراین وقایع، آیه ذیل نازل گشت:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يَعْرِفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (احزاب: ۵۹).

از امام باقر علیه السلام روایت شده: «روزی در هوای گرم مدینه زن جوان زیبایی درحالی که طبق معمول روسری خود را به پشت گردن انداخته و دور گردن و بناگوشش پیدا بود، از کوچه عبور می‌کرد، مردی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله از طرف مقابل می‌آمد، آن منظره زیبا، سخت نظر او را جلب کرد و چنان غرق تماشای آن زن زیبا شد که از خودش و اطرافش غافل گشت و جلوی خودش را نگاه نمی‌کرد، آن زن وارد کوچه‌ای شد و جوان با چشم خود او را دنبال می‌کرد، همان‌طور که می‌رفت ناگهان استخوان یا شیشه‌ای که از دیوار بیرون آمده بود به صورتش اصابت کرد و صورتش را مجروح ساخت، وقتی به خود آمد که خون از سر و صورتش جاری شده بود. با همین حال به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و ماجرا را به عرض رساند. (فیض - کاشانی، بی‌تا: ج ۵، ۲۳۰؛ مطهری، ۱۳۷۸: ج ۱۹، ۴۸۵؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵، ۵۲۱؛ مجلسی، ۱۴۱۲: ج ۸، ۳۵۳).

آیه ۵۹ سوره احزاب از جمله آیاتی بود که توصیه به حجاب کرد خداوند در این آیه می-فرماید:

«ای پیامبر به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو که روسری‌های بلند خود را بر خویش فروافکنند که این کار برای این که (از کنیزان و آلودگان) شناخته شوند و مورد آزار و اذیت قرار نگیرند بهتر است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ج ۱۷، ۴۲۵) نزول آیات حجاب در سوره نور پس از آن و در سال‌های میانی حیات پیامبر در مدینه، جدی‌ترین اقدام در این خصوص بود چرا که تا قبل از آن گرچه توصیه‌هایی بر اصلاح پوشش از سوی پیامبر ﷺ می‌شد اما حجاب به نحوی که در سوره نور آمده واجب نشده بود. پس از آن بود که زنان مسلمان تلاش نمودند تا در پوشش خود بر اساس دستور خداوند تغییراتی اساسی ایجاد نمایند. عایشه و به نقلی ام سلمه همواره زنان انصار را به سبب رعایت حجاب و استفاده از پوشش مشکی مورد ستایش قرار می‌دادند. (زمخشری، بی‌تا: ج ۳، ۲۳۱؛ ابوداود، بی‌تا: ج ۴، ۶۱) در آیه ۳۰ این سوره آمده است: «قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهم و یحفظن فروجهن و لا یتذین زینتهن الا ما ظهر منها و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن و لا یتذین زینتهن...» یعنی ای پیامبر به زنان با ایمان بگو دیدگان خویش فروبندند و شرمگاه‌های خود را نیز از دید دیگران بپوشانند و زیورهای خویش را آشکار نکنند مگر آنچه که از آن پیداست و روسری‌های خویش را بر سینه افکنند (تا گردن و سینه پوشیده شود)»

در شأن نزول این آیه اکثر مفسران مانند طبرسی، علامه طباطبائی، مکارم شیرازی و... می‌گویند چون زنان عرب معمولاً پیراهن‌هایی می‌پوشیدند که گریبان‌هایشان باز بود و روسری‌های خود را بنحوی می‌گذاشتند که دور گردن و سینه را نمی‌پوشانید و قهراً گوش‌ها و جلوی سینه‌ها نمایان می‌شد این آیه نازل شد و دستور داد که باید روسری‌ها را طوری ببندید که قسمت‌های یاد شده پوشیده گردد و زنان مو و سینه و دور گردن و زیر گلو خود را بپوشانند. (طبرسی، ۱۳۷۴: ج ۵، ۱۳۸، ذیل آیه ۳۱ سوره نور؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ج ۱۴، ۴۴۰؛ طباطبائی، ۱۳۷۰: ج ۱۵، ۱۲۶).

در تفسیر مجمع‌البیان در ذیل آیه مورد بحث آمده است «زنان مامور شده‌اند که روسری - های خود را بر روی سینه خود بیفکنند تا دور گردن و موها و گوش و گوشواره‌ها پوشیده شود.» (پیشین)

روایات و شواهد دیگری از این آیه در صدر اسلام موجود است که همگی نشانگر رعایت حجاب توسط زنان می‌باشد. بعنوان نمونه در تاریخ نقل شده است که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام وقتی می‌خواستند به بیرون منزل و نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بروند از پوشش‌های خاصی مثل چادر و روپوش صورت استفاده می‌کردند. در جریان داستان غم‌انگیز غصب فدک آن حضرت با شکل خاصی از حجاب و پوشش برای دفاع از حق خویش از منزل به مسجد آمدند. راوی داستان شکل خاص حجاب حضرت را این‌گونه توصیف نموده است: آن حضرت هنگام خروج از منزل مقنعه را محکم بر سر بستند و جلباب و چادر را به گونه‌ای که تمام بدن آن حضرت را می‌پوشاند و گوشه‌های آن به زمین می‌رسید، به تن کردند و به همراه گروهی به مسجد حرکت نمودند. (طبرسی، بی‌تا: ج ۱، ۹۸).

بر طبق فرمایش مفسران، واژه «جلایب» در آیه ۵۹ سوره احزاب صراحتاً به پوشش بلندی که سرپای زن را در برمی‌گیرد و رنگ آن نیز به سیاه تعبیر شده است؛ اشاره دارد. مفسران بزرگی همچون: «سیوطی»، «بیضاوی»، «علامه طباطبایی»، «طبرسی» جلایب را به «ملاحف» تفسیر کرده‌اند. «ملاحف» جمع «ملحفه» پارچه بزرگی است که سرپای زن را پوشاند. (ر.ک: سیوطی، ۱۳۴۱ق: ج ۵، ۲۲۱-۲۲۲؛ بیضاوی، ۱۳۲۹ق: ۵۶۳؛ المیزان) «طباطبایی، ۱۳۷۰: ج ۱۶، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۹) و «طبرسی، ۱۳۷۴ق: ج ۱۱، ۲۳).

دو حادثه در شأن نزول این آیه ذکر شده یکی آنکه در عصر پیامبر هنگامی که زنان برای نماز مغرب و عشاء به امامت نبی اکرم صلی الله علیه و آله خارج می‌شدند، عده‌ای از جوانان بر سر راه آنان می‌نشستند و آن‌ها را اذیت می‌کردند. در این هنگام خداوند این آیه را نازل نمود که زنان برای آنکه مورد تعرض واقع نشوند، پوششان را بر خود بگسترانند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۶، ۳۵۰). دوم کنیزان در صدر اسلام بدون روسری از منزل خارج می‌شدند و فاسقان متعرض آنان می‌شدند و گاه فراتر رفته و با زنان آزاد نیز به همان سبک برخورد می‌کردند و وقتی مورد

بازخواست واقع می‌شدند، می‌گفتند گمان می‌کردیم که کنیز است. این آیه نازل شد تا با پوشش، زنان آزاد از کنیزان شناخته شوند (ر.ک. لنکرانی، ۱۴۰۸: ۵۷۶).

با در نظر گرفتن مفهوم «دیدن علیهن من جلابیهن» و شأن نزول آیه، فراگیر بودن پوشش زن لازم است. یعنی زنان باید علاوه بر لباس‌های خود، پوششی بلندتر به نام جلباب داشته باشند تا از پوشیده بودن سرتاسر بدنشان مطمئن شوند. حتی برخی بر مبنای این آیه بر لزوم پوشش صورت نیز فتوا داده‌اند (بروجردی، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ۵۷).

مرحله سوم: وجوب کلی حجاب

اگرچه آیات سوره احزاب نازل شده بود اما باز هم زنانی بودند که پای بند حجاب خود نبودند و به همان شیوه عصر جاهلی رفتار می‌کردند، از این‌رو، خداوند در سوره مبارکه نور حجاب را بر تمام زنان واجب ساخت:

«و قل للمؤمنات یغضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن و لایبدین زینتهن إلا ما ظهر منها و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن و لایبدین زینتهن الا لبعولتهن او آبائهن او آباء بعولتهن او ابنائهن او ابناء بعولتهن او اخوانهن او بنی اخوانهن او بنی اخواتهن او نسائهن او ما ملکت ایمانهن او التابعین غیر اولی الإربة من الرجال او الطفل الذین لم یظهوروا علی عورات النساء و لایضربن بارجلهن لیعلم ما یخفین من زینتهن و توبوا الی الله جمیعا ایها المؤمنون لعلکم تفلحون» (نور: ۳۱). (ای پیامبر به زنان مومن بگو برخی نگاه‌های خود را فرو بندند و دامن خویش را پاک نگه دارند و زینت خود را آشکار نسازند، مگر آنچه که خود ظاهر باشد و باید روسری‌های خود را بر گردن خویش فرو اندازند و زینت خود را آشکار نکنند، مگر برای شوهر، پدر، پدر شوهر، پسر، پسر شوهر، برادر، پسر برادر، پسر خواهرشان، زنان مومن، کنیزان، غلامان، مردان کم خرد فاقد شهوت و اطفالی که از عورت زنان چیزی نمی‌دانند و نباید پای خود را بر زمین بکوبند تا زینت‌های مخفی‌شان معلوم گردد. ای مومنان به سوی خدا برگردید تا رستگار شوید. در شأن نزول آیه فوق آمده: «مرد جوانی از انصار در شهر مدینه

زنی را دید که از روبرو می‌آید۔ در آن زمان زن‌ها عادت داشتند که مقنعه را پشت گوش خود می‌انداختند۔ نگاه مرد همچنان بر زن بود تا از کنارش عبور کرد. وی بدون آنکه نگاهش را از زن بردارد، به راه خود ادامه داد. در این حال استخوان یا شیشه‌ای که بر دیوار بود، صورتش را خراشید و خون بر بدن و لباسش جاری شد. به خدمت رسول خدا ﷺ رسید، وقتی پیامبر وی را در این حالت دید، فرمود این چه وضعی است؟ در این زمان آیه فوق نازل شد» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵، ۵۲۱؛ مجلسی، ۱۴۱۲: ج ۸، ۳۵۳).

این آیه از مهم‌ترین آیات مورد استدلال برای لزوم حجاب است؛ زیرا تمام زنان مؤمن را مورد خطاب قرار داده و شبهه اختصاص حکم به زنان پیامبر در آن راه ندارد.

در مفهوم آیه از کلمه «مِن» چشم پوشی شده است؛ درحالی‌که این کلمه می‌تواند به صورت جدی برداشته‌های مزبور را زیر سوال برد. «مِن تبعیضیه» در اینجا شبیه به «قل للمومنین یغضوا من ابصارهم» و «قل للمومنات یغضضن من ابصارهن» است. در آنجا وقتی سخن از غض بصر است، کلمه «مِن» به کار می‌رود؛ یعنی برخی نگاه‌های خود را فروبندید که همان نگاه شهوت آلود است؛ ولی وقتی سخن از حفظ فرج به میان می‌آید از کلمه «مِن» استفاده نمی‌کند. در اینجا هم وقتی می‌فرماید: «یدنین علیهن من جلابیهن»، «مِن» تبعیضیه می‌تواند هم به صورت تبعیض نسبت به جلابیب محقق گردد و هم تبعیض در زمان و مکان باشد. در صورت اول منظور آیه این خواهد بود که زنان مومن بخشی از جلاباب را بر خود بگسترانند؛ یعنی به گونه‌ای آن را نگه دارند که به عفت شناخته شوند تا مورد اذیت واقع نشوند. در صورت دوم نیز معنی این خواهد بود که زنان در برخی مواقع و در برخی مواضع که ممکن است مورد اذیت واقع شوند، جلاباب را بر خویش فروتر بگیرند.

قرآن زنان سالخورده را از قاعده حجاب مستثنی می‌کند. والقواعد من النساء اللاتی یرجون نکاحا فلیس علیهن جناح... (توبه: ۶۰). زنان از پا افتاده‌ای که امیدی به ازدواج ندارند، می‌توانند لباس روی خود را بر زمین نهند، مشروط براینکه نخواهند خودنمایی بکنند درعین حال اگر جانب عفاف را رعایت کنند و خود را پوشیده دارند بهتر و خدا شنوا و دانا است.

در این زمینه روایات متواتری وجود دارد که در کتب حدیثی شیعه از جمله وسائل الشیعه ذکر شده است که برخی از این روایات در ارتباط با تفسیر آیات ذکر شده می‌باشد و برخی هم حکم زنان سالخورده را در مورد حجاب بیان داشته و برخی در مورد اِماء و کنیز وارد شده است و بعضی نیز زمان وجوب حجاب را بیان می‌دارد. در کل اصل وجوب حجاب را مسأله مسلم و ضروری دانسته، به شرایط، خصوصیات، زمان و استثنائات آن پرداخته است، به طور نمونه به مواردی که به وجوب حجاب دلالت دارند اشاره می‌نماییم:

روایات که اصل حجاب را مسلم گرفته و زمان آن را مطرح می‌سازد:

- محمد بن مسلم از امام محمد باقر علیه السلام روایت می‌کند: «لا یصلح للجاریته إذا حاضت

إلا أن تختمر؛ دختر زمانی که به حد بلوغ شرعی رسید، باید روسری داشته باشد.»

- از امام هشتم علیه السلام روایت شده است: «لا تفتی المرأته رأسها من الفلام حتی یبلغ

الفلام؛ پسر وقتی به حد بلوغ رسید زن باید حجاب را رعایت کرده و سر خود را از وی بپوشاند.»

- مردی از امام صادق علیه السلام چنین می‌پرسد که چه مقدار از بدن زن را یک مرد نامحرم

می‌تواند ببیند. امام می‌فرماید: صورت، دو دست و دو روی پا (جرعاملی، بی‌تا: ج ۱۴، ۱۴۶).

همچنین کوتاهی و بلندی یا نازکی و بدن نما بودن لباس هم مورد توجه بود چنانچه حضرت

علی علیه السلام در دستوری خطاب زنان می‌فرماید: بر شما باد که لباس ضخیم بپوشید چه هر که

لباسش نازک باشد دینش هم نازک است (مجلسی، ۱۴۱۲: ۱۸۴). در جایی دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

نیز چنین دستوری به مردی می‌دهد آنجا که پارچه نازکی را به آن حضرت هدیه می‌آورند،

ایشان مقداری از آن را به یکی از صحابه اعطا نمود و فرمودند: آن را دو شقه کن، با یکی

پیراهنی (یا عبا) برای خود بدوز و دیگری را به همسرت بده تا سرش را با آن بپوشاند. چون

مرد خواست برود باز پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اما به زنت دستور بده از زیر آن لباسی بپوشد تا بدنش

را نشان ندهد (ابوداود، بی‌تا: ۶۵).

حتی موارد احتمال ایجاد زمینه گناه را هم مورد اشاره قرار داده‌اند به عنوان مثال روزی

مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا خواهرم در نزد من موهایش را باز

می‌دارد حضرت می‌فرماید: نه سزاوار نیست. مرد می‌پرسد: چرا؟ فرمود: می‌ترسم بر تو از اینکه چون زیبایی‌هایش را بر تو نشان دهد، شیطان سراغ تو آید. در جایی دیگر چنین دستور داده‌اند: هر زنی که روسری خود را در خانه‌ای غیر از خانه شوهرش بردارد همانا حجاب خود را هتک کرده است.

نتیجه‌گیری

پوشش در اسلام از قوانین ضروری برای همه مسلمانان است. اگر چه که میان احکام پوشش زنان و مردان تفاوت‌هایی وجود دارد که آن هم مطابق با فطرت و نوع آفرینش زن و مرد است. طبق تحقیق حاضر حجاب اسلامی برای زنان به معنای حفظ زن خود را با پوششی مناسب از نگاه نامحرم از ضروریات دینی است که از طریق بررسی سیر تاریخی نزول آیات حجاب و نیز روایاتی که برگرفته از گفتار و سیره اهل بیت علمهم السلام است، مشهود می‌باشد. احکام حجاب نیز به تدریج و با توجه به اصطلاحات نیازمند جامعه از سوی خداوند بر پیامبر برای تبیین در میان جامعه اسلامی و به ویژه زنان نازل گردید. سیر نزول این آیات به گونه‌ای است که به دنبال نسخ فرهنگ کلی موجود در زمان مقرون به بعثت پیامبر نبوده بلکه حجاب اسلامی زنان به گونه‌ای به دنبال رفع نواقص و آسیب‌های موجود جامعه زنان آن روز به دلیل حجاب و پوشش نامناسب بوده است. و رعایت حجاب اسلامی را به عنوان فضیلت ابتدا برای زنان پیامبر و سپس برای تمامی زنان واجب گردید.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ چاپ سوم، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ق.
- ابوداود؛ السنن؛ تحقیق محیی الدین عبدالحمید، بیروت: مکتبه العصریه، بی تا.
- الاصمعی، عبدالملک بن قریب؛ تاریخ العرب قبل الاسلام؛ بتحقیق محمدحسن آل یاسین، بغداد: المکتبه العلمیه، ۱۳۷۹ق.
- بروجردی، ۱۴۱۶ق
- بیضاوی، ناصرالدین ابی سعید شیرازی؛ تفسیر بیضاوی؛ بیروت: دارالجلیل، ۱۳۲۹ق.
- الجبوری، یحیی؛ الملابس فی الشعر الجاهلی؛ بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۹۸۹م.
- جعفریان، رسول؛ رسائل حجابه؛ قم: دلیل ما، ۱۳۸۰.
- جمشیدی، اسد الله؛ «تاریخچه حجاب در اسلام»، تاریخ در آئینه پژوهش، ش ۷.
- جوادعلی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام؛ بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۳۴۷ق.
- جوده السحار، سعید و شرکائه؛ المرأة العربیة فی جاهلیتها و اسلامها؛ چاپ دوم، مدینه المنوره؛ مکتبه الثقافه، ۱۳۵۰ق.
- حرّ عاملی؛ وسائل الشیعۀ؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- دزی، رینهارت؛ فرهنگ البسه مسلمانان؛ مترجم: حسینعلی هروی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹ش.
- دورانت، ویل؛ تاریخ تمدن؛ ترجمه امیرحسین آریانپور، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.
- زمخشری، الکشاف؛ بیروت: دارالکتاب العربی، بی تا.
- سیوطی، جلال الدین؛ الدر المنثور فی تفسیر المأثور؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۳۴۱ق.
- الصدوق، جعفر محمد بن علی؛ من لا یحضره الفقیه؛ چاپ دوم، قم: جامعه المدرسین، بی تا

- طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ المیزان؛ ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۷۰.
- طبرسی، الاحتجاج؛ مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.
- — مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دارالفکر و دارالکتب اللبنانی، بیروت، ۱۳۷۴ ق.
- طبری، محمدبن جریر؛ جامع البیان فی تاویل القرآن؛ ۱۲ جلد، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق.
- عاملی، زین الدین بن علی؛ (شهید ثانی) الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه (المحشی - کلاتر)، چاپ اول، قم: داورى، ۱۴۱۰ ق.
- عسقلانی، ابن حجر؛ فتح الباری؛ بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
- فاضل لنکرانی، محمد؛ قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۴۰۸.
- فیض کاشانی، محمدمحسن؛ الوافی؛ چاپ اول، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۶ ق.
- — ملامحسن؛ تفسیر صافی؛ ۵ جلد، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.
- قرطبی، محمد بن احمد؛ الجامع لأحكام القرآن؛ تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
- کلینی، ابوجعفر محمد؛ الکافی؛ الطبعة الرابعة، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
- مجلسی، محمدباقر؛ بیست و پنج رساله فارسی؛ چاپ اول، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی علیه السلام، ۱۴۱۲ ق.
- — محمدتقی؛ لوامع صاحبقرانی؛ چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۴ ق.
- — محمدباقر؛ بحار الانوار؛ چاپ دوم، تهران: مکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶.
- مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ ج ۱۲، چاپ اول، تهران: مرکز الکتاب للترجمه و النشر، ۱۴۰۲ ق.
- مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ تهران: صدرا، ۱۳۷۸.
- — مسئله حجاب؛ چاپ ۵۶، تهران: صدرا، ۱۳۸۱.

— مكارم شيرازى، ناصر و ديگران؛ تفسير نمونه؛ ۲۷ جلد، چاپ سى ويكم، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۷۳.

— _____؛ انوار الفقاهه؛ كتاب النكاح، چاپ اول، قم: انتشارات مدرسه امام على بن ابيطالب (ع)، ۱۴۲۵ ق.

— نجفى (صاحب جواهر)، محمد حسن؛ مجمع الرسائل (محقى صاحب جواهر)؛ چاپ اول، مشهد: نشر مؤسسه صاحب الزمان (ع)، ۱۴۱۵ ق.

— واسطى زيدي، محب الدين سيد محمد مرتضى؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ بيروت: دارالفكر، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.

— هاشمى شاهرودى، محمود؛ فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بيت (ع)؛ چاپ اول، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامى بر مذهب اهل بيت (ع)، ۱۴۲۶ ق.